

## ز کجا یاد کنم؟

---

چه بگویم ز کجا یاد کنم؟

از چه فریاد کنم؟

من از آن مردم بیچاره چه دیدم که می‌رس

من از آن میهن ویرانه چه دیدم که می‌رس

من از آن لانه که بشکسته درو دیوارش

من از آن ملت زخمی و دل بیمارش

چه بگویم ز کجا یاد کنم؟

از چه فریاد کنم؟

آخر این درد نه یکی زخم دل ما نه یکی

راه این قصه دراز است و ندارم شکی

همه عالم شده غمخوار به ویرانه ما !!!

همه چشم طمع اش دوخته بر خانه ما

همه پا مال شرارت شده آزادی ما

زیررگبار شقاوت شده آبادی ما

چه بگویم ز کجا یاد کنم؟

از چه فریاد کنم؟

من درین گوشه نشستم بتماشای جهان

این جهان خاست که داند ز دلم راز نهران

سربه ویرانه من زد که مدد گار شود !!!

هدف و راه خودش جوید و همکار شود

مگر دیدی که نشد ،

خانه خاکبیسست ، خالیست

ودل مردمش ازرنج و غم و درد پر است

زخمها پرز عفونت سفر عشق گم است

چه بگویم ز کجا یاد کنم؟

از کی فریاد کنم؟

کس مداوای تن زخمی میهن نکند

بجز از دست جوانش کسی مرهم نکند

این زمین پر زمعما و به عمقش زر ناب

گه اجانب زبحرو بر نمیدیدش خواب

حال پا بر رخ گلزار شهیدان کوبند

همچو گرگ قافله از چنگ حریفان روبند.

چه بگویم ز کجا یاد کنم؟

از کی فریاد کنم؟

\*\*\*\*\*

## بهار غرب

من نمیدانم چرا امسال خاموش است بهار

باز ترفند دگر یا حلقه در گوش است بهار

خواب راحت کرده زیر بارش یخپاره ها

یاکه درمتنش به نیرنگی هماغوشست بهار.

سفره نروز را تقسیم با یخپاره کرد

غنچه بشگفته را سرمازد و پژمرده کرد  
لرزه بر اندام گلبرگ شقایق داده باد  
خرمن نرگس دو چشمش پر تگرگ ژاله کرد .

این بهاری نیست، کو لبخند گل اندر چمن ؟  
سبزه زاری نیست، کوهی یخ بود دشت و دمن  
غنچه زخمآلود و درد آگین مینالد به شاخ  
وای زین سرمای دی، کی میروود از قلب من

\*\*\*\*\*

این بهار همچون دل من پر ز درد و ماتم ست  
در مسیر حرکتش یخپاره ها سنگ غم ست  
میمکد خون شقایق میخراشد قد سرو  
ریشه این بد سگالی در مسیر آدم ست.

\*\*\*\*\*

این نقطه آبی همه یخبندان است  
نوروز پر از تگرگ و دردمندان است  
در مزرعه لاله و نرگس بنگر  
زخمی و مریض شکوفه در زندان است.

\*\*\*\*\*

اینجا نه بهار آمده دی برگشته  
با برف و یخ و ناله نی برگشته

[www.goftaman.com](http://www.goftaman.com)

مرغان مهاجر همه سرگشته دهر  
مستی و طرب ز جام می برگشته.

\*\*\*\*\*